

نامه پوئس رسول به فیلیپیان

مقدمه

شهر فیلیپی در شمال یونان واقع است. پوئس رسول، اولین کلیسا را در این منطقه تأسیس کرد. فیلیپی اولین شهر اروپایی بود که پوئس بعد از آمدن از آسیای صغیر به آنجا بشارت داد. هنگام ورود به بندر شهر فیلیپی در مقدونیه، پوئس و سیلاس به خدمت بشارت شروع کردند. حاکمان رومی در این شهر، پوئس رسول را دستگیر نموده و بعد از شکنجه به زندان انداختند.

یک تعداد از کسانی که در این شهر پیام خبرخوش را از زبان او شنیدند، به عیسیای مسیح ایمان آوردند. اولین شخصی که در نتیجه بشارت آنها ایمان آورد، یک خانم ثروتمند به نام لیدیه از شهر تیاتیرا بود که شغل خرید و فروش تکه‌های ارغوانی را به عهده داشت. (به اعمال رسولان ۱۶: ۱۱ - ۱۵ مراجعه کنید) ایمانداران شهر فیلیپی، پوئس رسول را بسیار دوست داشتند و به او کمک مالی می‌کردند. پوئس رسول از این شهر خاطرات خوش داشت.

اگرچه پوئس این نامه را وقتی که در شهر روم زندانی بود به ایمانداران فیلیپی نوشت، با آن هم او از آن نوع خوشی صحبت می‌کند که نصیب پیروان عیسیای مسیح می‌گردد.

این نامه به حیث نامه خوشی، اعتماد، اتحاد و زندگی با ایمان مسیحی شناخته شده است و علاقه و دلبستگی خاص پوئس رسول را به اعضای کلیسا در شهر فیلیپی نشان می‌دهد.

فهرست موضوعات

پیشگفتار: فصل ۱:۱ - ۱۱

رنجهای پولس و گسترش انجیل: فصل ۱:۱ - ۱۲:۳۰

زندگی مسیحی: فصل ۱:۲ - ۱۸

تیموتاوس و اپافروودیتوس: فصل ۲:۱۹ - ۳۰

عدالت واقعی: فصل ۱:۳ - ۹:۴

پولس رسول و دوستانش در فیلیپی: فصل ۴:۱۰ - ۲۰

آخرین رهنمایی‌ها و سخنان پایانی: فصل ۴:۱ - ۲۳

۱ از طرف پوئس و تیموتاووس غلامان عیسیای مسیح به همهٔ ایمانداران شهر فیلیپی که به عیسیای مسیح تعلق دارند و به رهبران و خادمان آنها:

۲ فیض و سلامتی از طرف پدرآسمانی ما خدا و سرور ما عیسیای مسیح به شما باد.

دعای پوئس رسول برای خواننده‌گان نامه‌اش

۳ من هر باری که شما را به یاد می‌آورم، خدای خود را برای تان شکر می‌کنم. ۴ من همیشه در هر دعا برای شما به خوشی از شما یاد می‌کنم ۵ زیرا از روز اول تا به حال برای همکاری تان در پخش خبرخوش، خدا را سپاس می‌گویم. ۶ من اطمینان دارم که خدا، آن کار نیکو را که در میان شما شروع کرده است تا روز آمدن خداوند ما عیسیای مسیح آن را به کمال می‌رساند. ۷ من حق دارم که دربارهٔ شما چنین احساسی داشته باشم، زیرا شما همیشه در دل من هستید و من چه در زندان باشم و چه به دفاع و تصدیق خبرخوش پردازم، شما در فیض خدا با من شریک هستید. ۸ خدا شاهد است که با آن احساس گرم که عیسیای مسیح در من ایجاد کرده است، آرزوی دیدار شما را دارم.

۹ دعای من برای شما این است که محبت شما، همراه با آگاهی و دانایی رشد کند ۱۰ تا چیزهای عالی و با ارزش را انتخاب کنید. آن وقت در روز آمدن خداوند ما عیسیای مسیح، شما پاک و بی‌عیب خواهید بود. ۱۱ همچنان دعا می‌کنم که زندگی شما پُر از ثمرات نیکی باشد که به وسیلهٔ عیسیای مسیح به دست می‌آید و باعث جلال و ستایش خدا می‌گردد.

رنجهای پوئس و گسترش انجیل

۱۲ ای ایمانداران! می‌خواهم بدانید که آنچه بر من اتفاق افتاد، در حقیقت برای پیشرفت خبرخوش کمک کرد. ۱۳ در نتیجه اکنون تمام محافظین قصر امپراطوری و دیگران همه می‌دانند که من به خاطر عیسیای مسیح زندانی شده‌ام. ۱۴ زندانی شدن من چنان قوت

به بسیاری از پیروان مسیح بخشیده است که اکنون جرأت می‌کنند کلام خدا را بدون ترس پخش کنند.

^{۱۵} البته بعضی‌ها از روی حسادت و رقابت و یک عده‌ی دیگری با نیت نیک، درباره‌ی عیسی‌ای مسیح بشارت می‌دهند. ^{۱۶} این عده از روی محبت چنین می‌کنند زیرا می‌دانند که من به دلیل دفاع از خبرخوش عیسی‌ای مسیح در اینجا افتاده‌ام. ^{۱۷} ولی آنهایی که از روی خودخواهی درباره‌ی عیسی‌ای مسیح موعظه می‌کنند، گمان می‌برند که می‌توانند بار زحمت مرا در زندان سنگین‌تر سازند.

^{۱۸} مهم نیست از هر راهی که باشد، خواه از روی نیت درست یا نادرست، مهم این است که درباره‌ی عیسی‌ای مسیح موعظه می‌شود. این برای من مایه‌ی خوشی است. بلی، من شادم و خوشی می‌کنم. ^{۱۹} زیرا می‌دانم که با دعا‌های شما و به یاری روح عیسی‌ای مسیح، همه‌ی این چیزها باعث رهایی من خواهند شد. ^{۲۰} زیرا توقع و امید بیش از حد من این است که در هیچ چیز شرمنده نشوم بلکه با دلیری کامل حالا مانند همیشه، عیسی‌ای مسیح را در وجود خود جلال دهم، خواه با زندگی من باشد خواه با مرگ من. ^{۲۱} زیرا مقصد من از زندگی، عیسی‌ای مسیح است و مُردن نیز به نفع من تمام خواهد شد. ^{۲۲} اما اگر با زنده ماندن، بتوانم کار ارزنده‌ی انجام دهم، من نمی‌دانم کدام را انتخاب کنم. ^{۲۳} در یک دوراهی قرار گرفته‌ام، آرزو دارم که این زندگی را ترک کنم و با عیسی‌ای مسیح باشم که به مراتب بهتر است، ^{۲۴} اما به خاطر شما زنده ماندن من مهمتر است. ^{۲۵} با چنین اعتماد یقین دارم که زنده خواهم ماند و برای پیشرفت و شادمانی شما در ایمان با شما خواهم بود، ^{۲۶} تا بار دیگر با آمدنم نزد شما، افتخار شما به عیسی‌ای مسیح به خاطر من بیشتر گردد.

^{۲۷} به هر حال، رویه و رفتار آن‌گونه باشد که شایسته‌ی خبرخوش عیسی‌ای مسیح است. من چه بیایم و شما را ببینم و چه نیایم، می‌خواهم درباره‌ی شما بشنوم که در یک روح، استوار هستید و چون یک تن دست‌به‌دست یکدیگر داده برای ایمان به خبرخوش مبارزه می‌کنید. ^{۲۸} به هیچ وجه از مخالفان خود نترسید، زیرا این دلیری در مورد آنها

نشانهٔ هلاکت، اما برای شما نشانهٔ نجات است و این از جانب خداست.^{۲۹} چون این امتیاز به شما عطا شده است که نه تنها به عیسی مسیح ایمان آورید بلکه به خاطر او، رنج و زحمت نیز ببینید.^{۳۰} زیرا شما نیز به همان مبارزه‌ای داخل شده‌اید که من داشتم و شما خود شاهد آن بودید و می‌دانید که هنوز هم گرفتار آن هستیم.

فروتنی و بزرگی عیسی مسیح

۲ اگر به وسیلهٔ مسیح دلگرم هستید، اگر محبت او مایهٔ تسلی شماست، اگر با روح مقدس مشارکت دارید و اگر احساس مهر و شفقت در بین شما وجود دارد،^۲ پس تقاضا می‌کنم که با هم یک فکر بوده، محبت دو جانبه و هدف مشترک داشته باشید و به این ترتیب خوشی مرا به کمال برسانید.^۳ هیچ عملی را از روی خودخواهی و غرور انجام ندهید بلکه با فروتنی، دیگران را از خود بهتر بدانید.^۴ تنها در فکر خود نباشید بلکه به نفع دیگران هم فکر کنید.^۵ همان طرز تفکر را داشته باشید که عیسی مسیح داشت:

۶ او از ازل دارای ذات الهی بود،

اما این را غنیمت نشمرد که برابری با خدا را به هر قیمتی حفظ کند.

۷ بلکه خود را از تمام برتری‌های آن خالی نمود

و به صورت یک غلام درآمد و شبیه انسان شد.

۸ چون او به شکل انسان در میان ما ظاهر گشت، خود را تا سرحد مرگ حقیر ساخت

و از روی اطاعت حاضر شد حتی مرگ بر روی صلیب را بپذیرد.

۹ از این خاطر خدا او را بسیار سرافراز ساخت

و نامی را که مافوق جمیع نامهاست، به او عطا فرمود،

^{۱۰} تا این که همه موجودات

در آسمان، روی زمین و زیر زمین،

با شنیدن نام عیسی زانو بزنند.

^{۱۱} و همه برای جلال خدای پدر، با زبان خود اعتراف کنند

که عیسای مسیح، خداوند است.

مانند نور بدرخشید

^{۱۲} بنابراین ای عزیزانم، همان‌گونه زمانی که نزد شما بودم و همیشه از من اطاعت می‌کردید، اکنون که از شما دورم، باید از من بیشتر اطاعت کنید و نجات خود را با ترس و لرز به کمال برسانید، ^{۱۳} زیرا خداست که با لطف خود، اراده و قدرت هر کاری را در شما ایجاد می‌کند.

^{۱۴} هر کاری را بدون مجادله و شکایت انجام دهید، ^{۱۵} تا در این زمان که همه گمراه و سرکش هستند، شما بدون تقصیر و گناه، فرزندان بی‌عیب خدا باشید و مانند نور در دنیای تاریک بدرخشید. ^{۱۶} پیام زندگی را همیشه در اختیار مردم بگذارید. اگر چنین کنید، من دلیلی خواهم داشت که در روز برگشت عیسای مسیح به شما افتخار کنم، زیرا این نشان خواهد داد که کار و زحمت من بی‌فایده نبوده است.

^{۱۷} حتی اگر لازم باشد که خون من مانند قربانی برای ایمان شما ریخته شود، در انجام این کار خوشحالم و با شما خوشی می‌کنم. ^{۱۸} پس شما هم خوشحال باشید و با من خوشی کنید.

تیموتاووس و اپافرودیتوس

^{۱۹} به عیسای مسیح امید دارم که بتوانم به زودی تیموتاووس را نزد شما بفرستم تا از احوال شما باخبر شده و خاطر من جمع شود. ^{۲۰} زیرا من کس دیگری را مانند او نمی‌شناسم که واقعاً در فکر شما باشد. ^{۲۱} دیگران همه به فکر خود هستند و در فکر کار عیسای مسیح نمی‌باشند. ^{۲۲} اما شما تیموتاووس را خوب می‌شناسید و می‌دانید که او مانند یک پسر که به پدر خود خدمت می‌کند، با من در انتشار خبر خوش خدمت کرده است. ^{۲۳} امیدوارم هرچه زودتر وضعیت من معلوم شود تا او را نزد شما بفرستم. ^{۲۴} به امید خداوند، می‌خواهم که خود نیز به زودی نزد شما بیایم.

^{۲۵} لازم دانستم اپافرودیتوس را که شما برای کمک نزد من فرستاده بودید به شما برگردانم. او برادر ایماندار، همکار خوب و مانند یک سرباز همراه من خدمت کرد. ^{۲۶} او را برمی‌گردانم زیرا پشت همه‌تان دق شده است و از این که از بیماری او باخبر گشته‌اید، بسیار ناراحت است. ^{۲۷} او واقعاً مریض و حتی نزدیک به مُردن بود اما خدا بر او رحم کرد، نه تنها بر او بلکه بر من نیز رحم نمود تا مبادا غم او هم بر غمهای دیگر من افزوده شود. ^{۲۸} پس بیشتر علاقمند شدم که او را نزد شما بفرستم تا شما با دیدن او یک بار دیگر خوشحال گردید و غم من هم کمتر گردد. ^{۲۹} پس با خوشی او را به عنوان برادر خود در خداوند بپذیرید و به اشخاصی مانند او احترام بگذارید. ^{۳۰} زیرا او نزدیک بود در راه خدمت به عیسای مسیح جان خود را از دست بدهد و برای خدمتی که شما از دور نمی‌توانستید به من انجام دهید، جان خود را به خطر انداخت.

عدالت واقعی

^{۳۱} دیگر این که ای برادران و خواهران، در اتحاد با خداوند خوشی کنید. من از تکرار آنچه که قبلاً به شما نوشته بودم، خسته نمی‌شوم زیرا می‌دانم که برای سلامتی شماست. ^{۳۲} از آنهایی که کارهای پلید انجام می‌دهند احتیاط کنید زیرا آنها مانند سگها هستند و

برای ختنه کردن یعنی بریدن عضوی از بدن اصرار دارند.^۳ ما ختنه شده‌گان واقعی هستیم، زیرا که با کمک روح مقدس، خدا را می‌پرستیم، به عیسای مسیح افتخار می‌کنیم و به امتیازات جسمانی اعتماد نداریم.^۴ هر چند من دلایل خوبی برای تکیه به برتری‌های خود دارم. اگر دیگران گمان می‌کنند که حق تکیه به برتری‌های جسمانی را دارند، من این حق را بیشتر دارم.^۵ من از قوم اسرائیل، از قبیله بنیامین و یک عبرانی اصیل هستم. در هشتمین روز تولد خود ختنه شده و از لحاظ رعایت شریعت موسی، پیرو گروه فریسیان بودم.^۶ به خاطر احساس غیرت، به اعضای کلیسا آزار می‌رسانیدم و مطابق معیارهای عادلانه شریعت، من یک مرد بی‌عیب شمرده می‌شدم.^۷ اما هرچه به نفع من بود آن را به خاطر مسیح ضرر شمردم.^۸ بلی بدون شک، در مقایسه با امتیاز بسیار ارزنده یعنی شناختن سرور خود عیسای مسیح، همه چیزهای دیگر را برای خود بی‌ارزش می‌دانم، زیرا به خاطر او من همه چیز را از دست داده‌ام و همه چیز را هیچ شمردم تا به مسیح تعلق داشته^۹ و به او پیوند شوم. من دیگر به عدالت خود که از طریق شریعت به دست می‌آید تکیه نمی‌کنم، بلکه به وسیله ایمان به عیسای مسیح عادل شمرده شده‌ام. این عدالت بر ایمان استوار است و از خدا سرچشمه می‌گیرد.^{۱۰} تا عیسای مسیح و قدرت رستاخیز او را بشناسم و در رنجهای او شریک شده و در مرگ او همشکل او گردم،^{۱۱} به این امید که من نیز به رستاخیز از مرده‌گان دست یافته و زندگی ابدی داشته باشم.

دویدن به سوی هدف

^{۱۲} من نمی‌گویم که قبلاً این را به دست آورده‌ام و یا به کمال رسیده‌ام، بلکه آن را دنبال می‌کنم تا به دست بیاورم، همان‌طور که عیسای مسیح نیز مرا به خاطر آن به دست آورده است.^{۱۳} ای ایمانداران! من فکر نمی‌کنم که به مقصد رسیده باشم بلکه تنها کاری که باید بکنم این است که گذشته‌ام را فراموش کنم و برای رسیدن به آنچه در پیش است، کوشش نمایم.^{۱۴} من مستقیم به سوی هدف می‌دوم تا همان جایزه‌ی را به دست آورم که شامل دعوت خدا به یک زندگی ابدی به وسیله عیسای مسیح است.

^{۱۵} پس همه ما که از لحاظ روحانی بالغ هستیم باید چنین طرز تفکر داشته باشیم و اگر شما فکر دیگری دارید، خدا این را هم به شما آشکار خواهد ساخت. ^{۱۶} در هر حال به هر اندازه که ما به کمال رسیده‌ایم به همان اندازه استوار نیز باشیم.

^{۱۷} ای ایمانداران! همه شما از من سرمشق بگیرید و متوجه کسانی باشید که از روش زندگی ما پیروی می‌کنند. ^{۱۸} بارها این را به شما گفته‌ام و بار دیگر آن را با اشکهای خود به شما تکرار می‌کنم که عده زیادی طوری زندگی می‌کنند که گویا با مفهوم واقعی صلیب عیسی مسیح دشمن هستند. ^{۱۹} عاقبت‌شان تباهی است چون خواهشهای جسمانی، خدای‌شان است. آنها تنها به فکر چیزهایی دنیوی هستند و به کارهای شرم‌آور خود افتخار می‌کنند. ^{۲۰} ولی ما تابعیت پادشاهی آسمانی را داریم و با اشتیاق منتظر آمدن دوباره خداوند ما عیسی مسیح می‌باشیم که به عنوان نجات‌دهنده ما از آسمان می‌آید. ^{۲۱} عیسی مسیح طوری بدنهای ضعیف ما را تغییر خواهد داد که شبیه بدن پُر شکوه او گردد. این کار با همان قدرتی انجام می‌پذیرد که همه چیز را زیر فرمان او در می‌آورد.

آخرین رهنمایی‌ها

^۱ ^۴ ای برادران و خواهران عزیز، بسیار آرزوی دیدار شما را دارم. شما مایه خوشی و افتخار من هستید. پس ای عزیزان، در خداوند استوار بمانید.

^۲ از اُفُودیه و سینتیخی، خواهران خود در خداوند، التماس می‌کنم که با همدیگر آشتی کنند. ^۳ و از تو، ای همکار صمیمی و وفادار، خواهش می‌کنم که این دو زن را کمک کنی، زیرا آنها همراه با کلیمانتوس و دیگر همکاران من، در انتشار خبرخوش با ما تلاش زیاد کرده‌اند و نام‌شان در کتاب زندگی ثبت شده است.

^۴ پیوسته در خداوند شاد باشید، باز هم می‌گویم شاد باشید! ^۵ ملایمت شما در رفتارتان با

دیگران آشکار باشد، زیرا که آمدن عیسای مسیح نزدیک است.^۶ برای هیچ چیز تشویش نکنید بلکه همیشه در هر مورد با دعا و زاری همراه با شکرگزاری، تقاضاهای خود را در حضور خدا تقدیم نمایید،^۷ و سلامتی خدا که مافوق فهم بشر است، دلها و افکار شما را در عیسای مسیح حفظ خواهد کرد.

^۸ خلاصه این که ای ایمانداران، درباره هرآنچه حقیقت، هرآنچه شریف، هرآنچه راست، هرآنچه دوست داشتنی، هرآنچه نیک و هرآنچه عالی و قابل ستایش است، فکر کنید.^۹ تمام آن چیزهایی را که از من آموخته‌اید، یا از من به دست آورده‌اید، یا شنیده‌اید و یا در من دیده‌اید، انجام دهید و خدایی که سرچشمه سلامتی است، با شما خواهد بود.

سپاسگزاری از هدیه‌ها

^{۱۰} حالا که پس از مدتی دوباره مورد توجه شما قرار گرفته‌ام، بی اندازه در خداوند خوشی می‌کنم. من این را نمی‌گویم که شما در گذشته به من توجه نداشتید بلکه فرصت ابراز آن را نیافته بودید.^{۱۱} من این سخنان را به خاطر نیازمندی‌های شخصی خود نمی‌گویم، زیرا یاد گرفته‌ام که در هر حالت قناعت کنم.^{۱۲} من می‌دانم که چگونه در تنگدستی و یا در فراوانی زندگی کنم، رمز زیستن در سیری و گرسنه‌گی، در فراوانی و نیازمندی را فرا گرفته‌ام.^{۱۳} من به وسیله عیسای مسیح که مرا تقویت می‌کند به انجام هر کاری قادر هستم.

^{۱۴} با این حال، شما لطف نموده و مرا در مشکلاتم کمک کردید.^{۱۵} ای ایمانداران شهر فیلیپی! شما خوب می‌دانید که در آغاز بشارت دادن خبرخوش، وقتی مقدونیه را ترک کردم، هیچ کلیسایی حاضر نشد که با من ارتباط بگیرد، تنها شما بودید که هم خبرخوش را پذیرفتید و هم نیازمندی‌هایم را رفع کردید.^{۱۶} حتی زمانی که در شهر تسالونیکی بودم، چند بار کمک مالی برای رفع نیازمندی من فرستادید.^{۱۷} من آرزوی دریافت کمک مالی شما را ندارم، بلکه می‌خواهم پاداش نیکوکاری‌های‌تان به حساب‌تان افزود

گردد.^{۱۸} کمک مالی شما به دستم رسید و نه تنها کافی بلکه بیشتر از احتیاجم بود. چیزهایی را که توسط اپافرودیتوس فرستادید، به طور کامل نیازمندی مرا رفع کرد. آن عطایای شما هدیه‌ای خوشبو یعنی قربانی قبول شده و پسندیده‌ی خداست.^{۱۹} خدای من همه‌ی نیازمندی‌های شما را از خزانه‌ی بزرگ خود در عیسای مسیح رفع خواهد کرد.^{۲۰} خدا، پدرآسمانی ما را تا به ابد جلال باد. آمین.

سخنان پایانی

^{۲۱} درود به همه‌ی مقدسین که به عیسای مسیح تعلق دارند. برادران و خواهرانی که با من هستند به شما سلام می‌رسانند.^{۲۲} همه‌ی ایمانداران در اینجا به شما سلام می‌فرستند، به خصوص ایماندارانی که در دربار امپراطور روم هستند.

^{۲۳} فیض خداوند ما عیسای مسیح با روح شما باد!